

حزب عدالت و توسعه: شکاف‌های اجتماعی و میانجیگری سیاسی

غلامعلی سلیمانی^۱

استادیار و عضو هیات علمی گروه تاریخ و تمدن و انقلاب اسلامی دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)

بهزاد عبادی^۲

دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) قزوین

تاریخ پذیرش: ۹۴/۰۴/۱۷

تاریخ دریافت: ۹۴/۰۲/۰۳

چکیده

احزاب به‌عنوان یکی از مهمترین نیروهای اجتماعی، بر مبنای شکاف‌های اجتماعی شکل گرفته و در صدد مدیریت آنها هستند. کمتر جامعه‌ای را می‌توان یافت که دارای شکاف اجتماعی نباشد، بنابراین ضرورت احزاب در تمام کشورها به عنوان سازوکار مدیریت شکافها به وضوح مشاهده می‌شود. به‌طور کلی، می‌توان شکاف‌های اجتماعی را از لحاظ ماهیت و نوع آن به پنج دسته سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، قومی و مذهبی طبقه‌بندی کرد. در ترکیه به عنوان میراث یک جامعه متکثر، شکاف‌های اجتماعی متعددی وجود دارد که عموماً فعال هستند. به این معنا که همزمان سه عنصر آگاهی سیاسی، سازماندهی و عمل سیاسی را دارا هستند. هدف این پژوهش پرداختن به تجربه حزب عدالت و توسعه در مدیریت شکاف‌های اجتماعی از طریق بررسی فرایند تاریخی شکل‌گیری برنامه‌های حزبی بر مبنای شکاف‌های موجود در این کشور می‌باشد. به نظر می‌رسد حزب عدالت و توسعه توانسته از طریق تمرکز بر سه دسته از شکاف‌های اقتصادی، قومی و مذهبی، نقش مهمی در ممانعت و کاستن از سیاسی‌شدن شکافها بردارد. این امر از طریق گسترش و تنوع بخشی به پایگاه اجتماعی صورت گرفته است. موفقیت این حزب در انتخابات متعدد در سال‌های اخیر و گسترش دایره رأی‌دهندگان حزبی می‌تواند مصداق روشنی بر موفقیت برنامه‌های حزب عدالت و توسعه تلقی شود.

واژه‌های کلیدی: حزب عدالت و توسعه، میانجیگری سیاسی، شکاف اقتصادی، شکاف قومی،

شکاف مذهبی

1. soleimani1359@ut.ac.ir

2. behzad5555@gmail.com



امپراتوری عثمانی طی سالیان متمادی توانسته بود، جامعه متکثری را تحت پوشش نظام سیاسی واحدی یکپارچه کند، ولی در اثر شکست‌های نظامی، مرد بیمار اروپا نتوانست در مقابل امواج مدرنیته مقاومت نموده و دچار اضمحلال و فروپاشی شد و ترکیه فعلی بازمانده امپراتوری عظیم عثمانی است. سیستم سنتی خلافت علی‌رغم اصلاحات متعدد که به تنظیمات شهره داشتند، نتوانست ردای اقتضائات دولت مدرن را برتن کند و دچار فروپاشی شد. به نظر می‌رسد انقلاب ترکهای جوان به عنوان سرآغاز ترکیه نوین و مدل کمالیستی مبتنی بر شیوه نوسازی غربی، نه تنها شکاف سنت و تجدد را از بین نبرد، بلکه موجب شکاف‌های دیگری نیز در جامعه ترکیه شد. با عنایت به وضعیت امروزی جامعه ترکیه به نظر می‌رسد سه نوع از شکاف‌های اقتصادی، مذهبی یا فرهنگی و قومی را می‌توان مهم‌ترین و فعال‌ترین شکاف‌های این کشور دانست.

در حوزه اقتصادی رشد اقتصادی ناموزون در چارچوب الزامات اقتصاد جهانی منجر به افزایش نابرابری میان طبقات اجتماعی از یکسو و مناطق شهری و روستایی از سوی دیگر شد و به تشدید هرچه بیشتر شکاف اقتصادی دامن زد. فرایند شهرنشینی و صنعتی شدن ترکیه توسط دولت آتاتورک محدود به بخشهای خاصی از ترکیه شد و به شکل‌گیری شکاف «حاشیه» و «پیرامون» و ظهور طبقه حاشیه‌نشین شهری در حومه شهرهای بزرگ ترکیه شد. همچنین سیاست سکولاریزاسیون دولت کمالیستی هرچند علویان را به عنوان بخش مهمی از جامعه ترکیه به خود جلب کرد و علویان به مدافعان اصلی انقلاب کمالیستی و ایدئولوژی سکولاریستی آن تبدیل شدند، اما در ادامه گفتمان کمالیستی نتوانست دغدغه‌ها و مطالبات اجتماعی، سیاسی و فرهنگی آنها را در برنامه خود بگنجانند؛ از همین رو زمینه شکل‌گیری شکاف علوی - سنی را در ساخت جامعه ترکیه فراهم ساخت. از طرف دیگر سیاست همگون‌سازی مبتنی بر یک دولت و یک زبان نیز نه تنها به برخوردهای خشونت‌آمیز با اقلیت‌های زبانی بویژه کردها منتهی شد، بلکه در سطح وسیعتری زمینه فعال شدن شکاف قومی کردی - ترکی را به دنبال داشت.

دولت کمالیستی تلاش داشت تا با حل بحران‌های توسعه سیاسی برآمده از شکاف‌های اجتماعی و کاستن از میزان خطرات احتمالی، گامی به جلو بردارد ولی در عمل خود به



فعال شدن شکاف‌های اجتماعی و تشدید بحران‌های توسعه سیاسی (بحران هویت، بحران مشروعیت، بحران مشارکت، بحران توزیع، بحران نفوذ، بحران ادغام) در جامعه ترکیه دامن زد. با این وصف سؤال اصلی پژوهش این است که احزاب سیاسی و به‌طور مشخص حزب عدالت و توسعه چه گامی در حل بحران‌های سه‌گانه فوق برداشته است؟ به نظر می‌رسد حزب عدالت و توسعه در تلاش است با ارائه برنامه‌های مدون، مانع از سیاسی شدن شکاف‌های مختلف اقتصادی، قومی و مذهبی در جامعه ترکیه شده و از این طریق زمینه را برای حل بحران‌های مشارکت، هویت و مشروعیت و توزیع فراهم نماید.

پژوهش حاضر در سه بخش به سؤال اصلی این مقاله پاسخ خواهد داد، در ابتدا به شکل‌گیری احزاب به‌طور کلی و به‌طور خاص احزاب برنامه‌دار و ارتباط شکل‌گیری آن‌ها با شکاف‌های اجتماعی خواهد پرداخت، در بخش دوم به معرفی حزب عدالت و توسعه به‌عنوان یک حزب برنامه‌دار اشاره کرده و نهایتاً در ادامه برنامه حزب برای جلوگیری از تعمیق و حل شکاف‌های سه‌گانه فوق را مورد بحث قرار خواهد داد.

۱- چارچوب نظری و مفهومی پژوهش: احزاب برنامه‌دار و شکاف‌های اجتماعی

نوسازی، همیشه کشورهای استوار و باثباتی ایجاد نمی‌کند، بلکه برخی اوقات به بی‌ثباتی و پیدایش بحران‌ها دامن می‌زند. به تعبیر هانتینگتون، کشوری که در شرایط ناستوار و بی‌ثبات قرار دارد، از نظر اجتماعی وابستگی‌اش با الگوهای سنتی زندگی گسسته می‌شود؛ با فشارهایی در جهت دگرگونی اقتصادی، اجتماعی و سیاسی روبرو می‌گردد؛ شیوه‌های نوین و بهتر تولید کالاهای اقتصادی و خدمات آن کشور را احاطه می‌کنند و به ویژه از آنجا که دولت نمی‌تواند توقعات فزاینده مردمش را برآورده سازد، کشور از فراگرد دگرگونی نوسازی سرخورده می‌شود. نتیجه چنین سرخوردگی‌های ذهنی و عینی جامعه نیز چیزی جز کاهش شدید مشروعیت نظام و شدت گرفتن بحران در سطح جامعه و در نهایت خشونت‌های فراگیر و گسترده نیست (هانتینگتون، ۱۳۷۰: ۷۲).

به‌طور کلی می‌توان گفت در فرآیند نوسازی و توسعه، تقاضاهای جدیدی به‌صورت مشارکت و ایفای نقش‌های جدیدتر ظهور می‌کند، لذا نظام سیاسی باید از ظرفیت و توانایی‌های لازم برای تغییر وضعیت برخوردار باشد. در غیر این صورت، با بی‌ثباتی،



هرج و مرج، اقتدارگرایی و زوال سیاسی مواجه خواهد شد و امکان دارد پاسخ جامعه به این نابسامانی‌ها، به شکل ناستواری‌های خشونت‌بار از جمله انقلاب باشد.

در پاسخ به بحران‌ها و بی‌ثباتی‌ها، احزاب سیاسی با کارکردهای متعدد، از جمله گسترش مشارکت سیاسی، مشروعیت، یکپارچگی ملی، مدیریت منازعات و جامعه‌پذیری سیاسی می‌توانند نقش مهمی در این زمینه ایفا کنند. در واقع، می‌توان گفت احزاب مهم‌ترین پاسخ نهادی به بحران‌های توسعه سیاسی، توانایی ایفای نقش در حل شش معضل یا بحران توسعه یعنی مشارکت، مشروعیت، یکپارچگی، مدیریت منازعه، جامعه‌پذیری سیاسی و دولت‌سازی را دارند (بنگرید به بایندر در پای، ۱۳۸۰: ۱۰۹-۱۱۴).

احزاب سیاسی به عنوان یکی از ملزومات جوامع مدرن، به صورت تصادفی ایجاد نمی‌شوند، بلکه بر اساس علائق، شکافها و زمینه‌های مختلف اجتماعی شکل می‌گیرند. به عبارت دیگر، احزاب و گروه‌های سیاسی، جلوه‌های عینی شکاف‌های اجتماعی هستند و آن‌ها را نمایندگی می‌کنند. به جرأت می‌توان گفت هیچ جامعه‌ای را نمی‌توان یافت که فاقد شکاف و یا تنها دارای یک شکاف اجتماعی باشد. برحسب نوع، شمار و نحوه صورت‌بندی شکاف‌های اجتماعی، هر کشوری سیاست و اجتماع متفاوتی پیدا می‌کند؛ به هر میزان که شمار و پیچیدگی شکاف‌های اجتماعی، نحوه صورت‌بندی و تنوع آن‌ها بیشتر باشند، جریان‌ها و گروه‌ها و احزاب سیاسی برای پوشش آن‌ها متعدد و متکثر می‌شوند.

شکاف‌های اجتماعی از ویژگی پایداری و تداوم برخوردار بوده و از سایر پدیده‌های اجتماعی که در کوتاه‌مدت شکل می‌گیرند، متفاوت هستند. بنابراین، شرط پایداری زمینه را برای گروه‌بندی‌ها و صف‌بندی‌ها در جامعه حول محور آن‌ها فراهم می‌کند. به طور مشخص شکاف‌های اجتماعی حکایت از تمایزها و تفاوت‌هایی است که موجد گسست، صف‌آرایی و گروه‌بندی در ساخت جامعه می‌شوند. براین اساس گروه‌های اجتماعی از یکدیگر جدا و در مقابل هم قرار می‌گیرند (بشیریه، ۹۹: ۱۸۴).

شکاف‌های اجتماعی از حیث پیدایش از همدیگر متمایز و متفاوت هستند؛ از نظر ضرورت تکوین، برخی از شکاف‌ها ساختاری و برخی دیگر تاریخی یا تصادفی هستند. شکاف‌های ساختاری، شکاف‌هایی هستند که به مقتضای برخی ویژگی‌های دگرگونی‌ناپذیر و پایدار در جامعه انسانی پدید آمده و همواره وجود دارند، مثل شکاف‌های طبقاتی، جنسی



و نسلی. برخی دیگر از شکاف‌های اجتماعی حاصل سرنوشت تاریخی یک کشور هستند و بنابراین ضرورت ساختاری ندارند، مثل شکاف‌های مذهبی و فرقه‌ای، شکاف میان دین و دولت، شکاف‌های قومی، زبانی و نژادی. اگر بخواهیم از فردریک ویل^۱ کمک بگیریم این دسته از شکاف‌ها انتسابی هستند بدین معنا که ناشی از هویت‌های اولیه هستند؛ یعنی فرد با آن‌ها به دنیا می‌آید و غالباً غیرقابل تغییر و تعویض‌اند و «طبیعی» محسوب می‌شوند (Weil, 1992, pp. ۱۴۹۲-۱۴۸۵). به نظر می‌رسد در جامعه ترکیه هر دو دسته از شکاف‌ها را می‌توان مشاهده کرد.

جامعه‌شناسی سیاسی به شکاف‌هایی توجه دارد که فعال هستند، به این معنا که همزمان سه عنصر آگاهی سیاسی، سازماندهی و عمل سیاسی را دارا هستند. بنابراین، شکاف‌های غیرفعال هنوز زمینه ظهور و بروز اجتماعی پیدا نکرده و احزاب و جریان‌های سیاسی را نیز در پی ندارند. به طور کلی، می‌توان شکاف‌های اجتماعی را از لحاظ ماهیت و نوع آن به ۵ دسته طبقه‌بندی کرد؛ شکاف سیاسی، شکاف اقتصادی، شکاف فرهنگی، شکاف قومی و شکاف مذهبی. در پژوهش حاضر تنها سه دسته از شکاف‌ها را در جامعه ترکیه مورد بحث و بررسی قرار خواهیم داد؛ نخست، شکاف اقتصادی که بیشتر حول نحوه توزیع درآمدها، دسترسی به امکانات و سطح معیشت معنا پیدا می‌کند که آن را شکاف مرکز - پیرامون یا حاشیه می‌نامیم. دوم، شکاف مذهبی که ناظر بر شکاف بین فرقه‌های مختلف یک مذهب یا شکاف بین مذاهب مختلف یک دین است و سوم، شکاف‌های قومی که متأثر از پیدایش دولت - ملت‌های جدید از پیکره امپراتوری‌های متلاشی شده قدیم است که مرزهای سیاسی به جای مرزهای فرهنگی تنوع مختلف گروه‌های قومی و زبانی را در پی داشته است که به صورت اقلیت و اکثریت قومی یا چندین اقلیت قومی درآمده است.

احزاب سیاسی همانطور که اشاره شد شکاف‌های اجتماعی را در یک کشور نمایندگی می‌کنند؛ هرچه شکاف‌های اجتماعی در یک کشور متنوع‌تر باشد، به همان میزان احزاب سیاسی نیز بیشتر خواهند بود. گفته است هنگامی که در جامعه‌ای ابعاد پیکار سیاسی چندگانه باشند، می‌توان انتظار داشت که برای بیان همه این ابعاد، شمار به نسبت زیادتری از احزاب بایستگی یابند مگر آن که این ابعاد با یکدیگر همپوشانی داشته باشند، از این رو تنوع

1. Frederick Weil



اجتماعی یک کشور شمار و گونه‌های احزابی را که در انتخابات هم‌آورد جویی می‌کنند، تبیین می‌کند. (نوریس و کدی، ۱۳۸۸: ۲۵).

در جامعه ترکیه نیز تنوع و تعدد شکاف‌های اجتماعی و به تبع آن تنوع گروه‌ها و احزاب و جریان‌های سیاسی را می‌توان مشاهده کرد. به عبارتی دیگر وجود احزاب متعدد با گرایش‌های معارض یکی از مؤلفه‌های اصلی جامعه ترکیه است (داراب زاده و دیگران، ۱۳۹۲: ۲۷). ترکیه جامعه‌ای پیچیده، چندلایه و نمونه‌ای برجسته از یک کشور تکه‌تکه است (Hun-tington, 1996: 74). باشلونت^۱ بر این باور است عواملی که هویت حزبی را در ترکیه تحت تأثیر خود قرار می‌دهند عبارتند از: ارزیابی درباره اقتصاد (دیدگاه اقتصادی)، قومیت (ترک و کرد)، هویت و فرقه‌گرایی (سنی و علوی). (Başlevent, 2005: 547-562) شریف ماردین نیز خاطر نشان می‌سازد که مهم‌ترین شکافی که حیات سیاسی ترکیه را در دهه‌های اخیر تحت تأثیر خود قرار داده است، شکاف حاشیه - مرکز هست. بدین معنا که پویایی سیاسی جامعه ترکیه ریشه در شکاف و تقابل بین حاشیه روستایی، دیندار، سنتی و مرکز مدرن، سکولار و غربگرا دارد (Mardin, 1973).

تجربه حزب عدالت و توسعه، موضوع رابطه احزاب با شکاف‌های اجتماعی را از منظری دیگر مورد توجه قرار می‌دهد. اسلاف حزب عدالت و توسعه، احزابی با گرایش‌های اسلامی هستند که در دوره کوتاه‌مدت اربکان، قدرت را با تشکیل دولت ائتلافی در این کشور در دست گرفتند. حزب عدالت و توسعه از دل انشعابات که در حزب اسلام‌گرای رفاه اربکان ایجاد شد، شکل گرفت. احزاب اسلامی به طور کلی تلاش می‌کردند؛ نمایندگی گروه‌های اسلامی را حول شکاف بین گروه‌های اسلام‌گرا و جریان‌های سیاسی طرفدار سیستم لائیسیته در این کشور نمایندگی کنند.

آنچه حزب عدالت و توسعه و تجربه این حزب را در ارتباط با شکاف‌های اجتماعی حائز اهمیت می‌سازد، تلاش این حزب برای گسترش حوزه فعالیت حزبی از دایره شکاف حول گروه‌های اسلام‌گرا و سکولار به سمت پوشش دادن سایر شکاف‌های فعال در این کشور یعنی شکاف‌های قومی، مذهبی و اقتصادی است. حزب عدالت و توسعه در راستای تبدیل شدن به حزب فراگیر تلاش دارد از طریق ارائه دستورالعمل و برنامه حزبی مشخصی،

شکاف‌های مختلف جامعه ترکیه را نمایندگی کرده و در مقام حزب حاکم از تعمیق و گسترده شدن آن‌ها و نهایتاً تضعیف و چندپاره شدن این جامعه جلوگیری کند.

زیگموند نیومن^۱ که برای نخستین بار، احزاب را به دو دسته برنامه‌دار و مصلحت‌گرا تقسیم‌بندی کرده، معتقد است، حزب مصلحت‌گرا برنامه و خط‌مشی خود را به موازات دگرگونی‌های سیاسی و اجتماعی در جامعه تغییر داده و با شرایط زمان سازگار می‌سازد. چنین حزبی پایبندی به مرام سیاسی خاصی ندارد و سعی می‌کند هدف‌هایش را با نیازهای جامعه در یک زمان به خصوص تطبیق دهد. در مقابل، حزب برنامه‌دار، حزبی است که دارای برنامه‌ای جامع و درازمدت بوده و راه‌حلهایی اساسی برای مشکلات جامعه طرح می‌کند. (دوورژه، ۱۳۵۷: ۵۸-۶۲). جامعه‌شناسان سیاسی رابطه میان احزاب سیاسی برنامه‌دار و شکاف‌های اجتماعی را امروزه مورد توجه قرار داده‌اند و تلاش دارند آنها را از این زاویه مورد توجه قرار دهند. در قالب برنامه‌های حزبی، شکاف‌های اجتماعی قرار نیست، به طور کامل از بین بروند، چراکه اساساً برخی از شکاف‌ها همانطور که اشاره شد، جز جدایی‌ناپذیر اکثر جوامع هستند، اما انتظار می‌رود برنامه‌های حزبی بتواند از تعمیق آنها و نهایتاً سیاسی و امنیتی شدن آنها جلوگیری بعمل آورد. به نظر می‌رسد تجربه حزب عدالت و توسعه مصداق خوبی در این زمینه باشد.

۲- حزب عدالت و توسعه به عنوان یک حزب برنامه‌دار

تا همین اواخر، احزاب اسلامی در ترکیه تا حد زیادی به صورت یک جنبش حاشیه‌ای بودند؛ اما موفقیت حزب عدالت و توسعه در سه انتخابات سراسری گذشته، قدرت رو به رشد جنبش‌های سیاسی با ریشه‌های اسلامی را نشان می‌دهد. با این حال، حزب عدالت و توسعه خود را نه حزبی اسلام‌گرا بلکه حزبی محافظه‌کار و دموکراتیک معرفی می‌کند. رجب طیب اردوغان در این باره معتقد است که «بخش بزرگی از جامعه ترکیه، خواستار مفهومی از مدرنیته هستند که سنت‌ها را رد نمی‌کند، به اعتقادهای محلی احترام می‌گذارد، به زندگی معنوی انسان‌ها ارج می‌نهد و مسیر پیشرفت و توسعه جوامع را فقط معادل با الگوی آمریکایی معرفی نمی‌کند» (Erdogan, 2004: 6). از نظر اردوغان، تشکیل حزب عدالت و توسعه، پاسخی

1. Sigmund Newman



به این خواست مردم ترکیه بود. در همین راستا، استدلال می‌شود حزب عدالت و توسعه از سیاست‌های هویتی هیچ حمایتی به عمل نمی‌آورد، زیرا از نظر سران این حزب، چنین سیاست‌هایی از طریق قرار دادن ما در مقابل دیگران، باعث قطبی کردن جامعه می‌شود و به همین دلیل است که این حزب از همان ابتدای کار خود با تمرکز بر مشکلات موجود در ترکیه، بیشتر بر سیاست‌های خدمتی تأکید می‌کند (Yavuz, 2005: 351-356).

اردوغان می‌گوید: احزاب پیش از عدالت و توسعه از قبیل حزب رفاه، فضیلت و ... به‌طور عمده به شکل جماعتی سیاسی تشکیل شده بودند به گونه‌ای که رفتارهای آن‌ها تحت تأثیر نوعی ایدئولوژی خاص قرار داشت و تنها از حامیان این ایدئولوژی خاص حمایت می‌شد؛ البته این نوع سیاست‌ها خطرناک‌اند زیرا این امر به قطبی شدن جامعه منجر می‌شود (Demir- alp and Eisenstadt, 2006: 5). حزب سعی دارد با دور شدن از هویتی خاص، هویت‌های چهل تکه موجود در جامعه را بازنمایی و نمایندگی کند.

در مقابل، احزاب سیاسی مخالف (حزب جمهوری خلق، حزب حرکت ملی، حزب دموکراتیک خلق‌ها) نه تنها برنامه‌ای ارائه نمی‌کنند که گویای طرح‌ها و ابتکارانشان باشد، بلکه صرفاً درصدد به چالش کشیدن و زیرسوال بردن اهداف و برنامه‌های حزب عدالت و توسعه هستند. این احزاب، وعده‌های «غیر مستقیمی» به رأی‌دهندگان می‌دهند و اذعان می‌کنند طی برنامه‌های خود همه شهروندان - اعم از آن‌ها که به آن حزب رأی داده یا نداده‌اند - را بدون توجه به جهت‌گیری‌شان در جریان انتخابات مورد حمایت قرار خواهند داد.

حزب عدالت و توسعه در مرحله اول یعنی از زمان به قدرت رسیدن در سال ۲۰۰۲ م تا ۲۰۱۰ تلاش کرده پایگاه اجتماعی و انتخاباتی خود را بر مبنای شکاف اصلی یعنی شکاف حاشیه - مرکز تطبیق داده و به تثبیت قدرت سیاسی خود در عرصه سیاسی ترکیه پردازد. در مرحله دوم یعنی از سال ۲۰۱۰ و بویژه انتخابات سراسری ۲۰۱۱ حزب درصدد تبدیل شدن به یک حزب فراگیرست؛ همین هدف، حزب عدالت و توسعه را متوجه دیگر طبقات اجتماعی و شکاف‌های اجتماعی موجود در جامعه ترکیه کرد، چرا که حزب برای افزایش میزان حمایت و گسترش دامنه پایگاه اجتماعی‌اش بویژه در زمان انتخابات نیازمند جلب نظر دیگر طبقات اجتماعی بویژه کردها و علویان است.

شکاف اجتماعی حاشیه - مرکز مهم‌ترین شکاف در ترکیه در پیروزی احزاب اسلام‌گرا



انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association

جمعیة تدریسات العالم الاسلامی

فصلنامه علمی - پژوهشی

پژوهش‌های باسی جهان اسلام

۱۱۸

سال پنجم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۰

همچون احزاب رستگاری ملی و رفاه نقش بسزایی داشته است. چرا که دستورالعمل و برنامه احزاب اسلامی با شکاف مزبور و به تبع آن با دغدغه‌ها و مطالبات حامیان‌شان در تعامل متقابل و رابطه‌ای دوسویه بوده است. در حال حاضر، حزب عدالت و توسعه از چارچوب بندی‌های احزاب سلف خود به نحو احسن بهره‌برداری می‌کند؛ از همین رو شکاف پیرامون - مرکز، خاستگاه اصلی تداوم پیروزی‌های انتخاباتی حزب در دهه اخیر بوده است. به نظر می‌رسد که در گام اصلی و مهم، حزب برای تثبیت قدرت خود نیاز مبرم به این طبقه اجتماعی و اهتمام به این شکاف اجتماعی اصلی دارد؛ از این جهت که بدون حمایت این طبقه، حزب عدالت و توسعه محلی از اعراب نخواهد داشت. از همین رو، نمایندگی منافع اقتصادی و علایق مذهبی این قشر در اولویت کاری حزب قرار دارد. علاوه بر این، شکاف مرکز- پیرامون در نتیجه فعال بودن در طی چند دهه اخیر به شکاف سیاسی تأثیرگذاری در ساخت جامعه ترکیه تبدیل شده است.

شکاف علوی - سنی از آن جهت برای عدالت و توسعه مهم بوده است که اولاً علویان بخش مهمی از جمعیت ترکیه و رأی دهندگان این کشور را تشکیل می‌دهند. دوماً شکاف علوی - سنی تنها در حد شکاف اجتماعی مطرح بوده و نتوانسته است به شکاف سیاسی تبدیل شده و به تبع آن منجر به تأسیس حزب سیاسی شود. هرچند، شکاف علوی در دهه‌های اخیر دوباره فعال شده است، اما وارد مرحله رقابت سیاسی و تشکیل حزب سیاسی نشده است. در همین راستا، حزب جمهوری خلق برای دهه‌ها توانسته به نمایندگی از جمعیت علویان این کشور، دغدغه‌ها و مطالبات آنها را نمایندگی کند و علویان ترکیه به طور سستی به حزب جمهوری خلق رأی می‌دهند. با وجود این، در طی دهه اخیر این وضعیت در حال تغییر است و حزب عدالت و توسعه با گنجانیدن مطالبات و دغدغه‌های علویان در دستور کار خود بویژه بسته دموکراتیک به دنبال جذب حمایت سیاسی علویان و روی گردانی آنها از مهمترین رقیبش یعنی حزب جمهوری خلق است.

نهایتاً، یکی از مهم‌ترین شکاف‌های اجتماعی در جامعه ترکیه که به شکاف سیاسی نیز منجر شده است، شکاف قومی می‌باشد. چرا که شکاف کردی سه ویژگی عمده فعال بودن شکاف‌های اجتماعی را داراست: آگاهی سیاسی، عمل سیاسی و رهبری و سازماندهی. در رابطه با شکاف قومی حزب عدالت و توسعه تلاش می‌کند با بی‌اعتبارکردن شعارهای حزب



رقیب یعنی حزب دموکراتیک خلق فعلی (حزب صلح و دموکراسی سابق) مبنی بر احقاق حقوق فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی کردها گام‌های زیر را مورد توجه قرار داده است؛ اولاً بخشی از شعارها و برنامه‌های رادیکال حزب دموکراتیک خلق‌ها را با ساختار سیاسی ترکیه متناسب نمی‌بیند و بر این باور است که اصولاً قابلیت اجرایی ندارند و تنها شگردهای سیاسی برای جذب آراء است؛ دوماً، بخش دیگر شعارها که تا حدودی حزب عدالت و توسعه آن‌ها را محق می‌داند، برآورده ساختن آن‌ها را از توان حزب دموکراتیک خلق‌ها خارج می‌داند و سوماً، تنها حزبی که در حال حاضر می‌تواند پاسخگویی مطالبات و خواسته‌های معطل مانده کردها باشد، فقط حزب عدالت و توسعه است.

۳- شکاف‌های اجتماعی و برنامه‌های حزب عدالت و توسعه

در واقع، توجه و اهتمام به مطالبات سیاسی گروه‌های مختلف اجتماعی به ترتیب اهمیت یعنی شکاف اقتصادی (حاشیه‌نشین شهری)، قومی (کردها) و مذهبی (علویان) و تلاش برای ارائه راه‌حل برای مشکلات، مسائل و دغدغه‌های کلی آنها با گنجاندن برنامه‌های اجرایی در دستورالعمل کاری، مهم‌ترین استراتژی حزب عدالت و توسعه به منظور تثبیت و حفظ پایگاه اجتماعی و قدرت سیاسی و سرعت بخشیدن به روند تبدیل حزب عدالت و توسعه به حزبی فراگیر در عرصه سیاسی ترکیه است. در بخش بعدی تلاش خواهیم کرد؛ سه شکاف پیرامون - مرکز، شکاف کردی - ترکی و شکاف سنی - علوی را کالبدشکافی کرده و دستورالعمل حزب عدالت و توسعه برای پاسخگویی به مطالبات اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی و نتایج آن را مورد بررسی و مذاقه قرار دهیم.

۳-۱- شکاف اقتصادی؛ (شکاف حاشیه - مرکز)

نوسازی به شیوه کمالیستی علی‌رغم ایجاد تغییرات اساسی در حوزه‌های فرهنگی و سیاسی فاقد تغییرات ساختاری ملازم با آن در حوزه اقتصادی - اجتماعی بود. (موثقی و اعتمادی فر، ۱۳۹۲: ۱۶۵-۱۶۶). پایگاه اجتماعی دولت کمالیستی در اعیان و اشراف، زمینداران، و طبقه تجاری روبه رشد قرار داشت که در ائتلاف با نظامیان، بوروکرات‌های اداری و روشنفکران، مانع تغییر و اصلاحات اقتصادی - اجتماعی شدند. دهقانان، کارگران و طبقات پایین شهری



و روستایی از این تغییرات که محدود به ابعاد فرهنگی و سیاسی بودند، نفعی نبردند. رشد ناهمگون اقتصادی نابرابری میان طبقات را از یکسو و شکاف بین مناطق شهری و روستایی افزایش داد. انقلاب کمالیستی ساختار اقتصادی - اجتماعی جامعه آناتولی را به طور اساسی تغییر نداد و نه تنها شکاف بین غنی و فقیر و بویژه شکاف میان مناطق شهری و روستایی دست نخورده باقی ماند بلکه باعث فعال شدن شکاف مرکز- پیرامون در ساخت اجتماعی ترکیه شد. (موثقی، ۱۳۸۰: ۱۵۱-۱۵۲).

هرچند، نوسازی سیاسی و فرهنگی جامعه ترکیه به شیوه کمالیستی نتوانست به عرصه اجتماعی و اقتصادی تسری پیدا کند. با این حال، آثار و تبعات ناشی از نوسازی در دهه‌های بعد بویژه دهه ۱۹۸۰ منجر به تقویت و فعال شدن هرچه بیشتر شکاف مرکز- پیرامون شد. طی دهه‌های اخیر بویژه از دهه ۱۹۸۰ به این سو، رشد اقتصادی ترکیه با عدم تعادل شدید اجتماعی - اقتصادی بین مناطق و گروه‌های اجتماعی توأم بوده است (Milliyet, Septem-ber 3, 1994). بدین معنا که نابرابری در توزیع امکانات و فرصت‌های اجتماعی - اقتصادی منجر به شدت گرفتن روند مهاجرت از روستاها و نواحی پیرامونی شرق آناتولی به نواحی شهری در مرکز و غرب ترکیه شد و همین مسئله باعث افزایش شهرنشینی و شکل‌گیری طبقه حاشیه‌نشین شهری در قلب و غرب آناتولی شد.

علاوه بر این، دست‌کم سه عامل اساسی در فعال شدن شکاف مرکز - پیرامون تأثیر بسزایی داشته‌اند؛ نخست اینکه تعقیب سیاست‌های صنعتی و مدرنیزاسیون از سوی دولت‌های ترکیه به صورت متوالی منجر به جریان مهاجرت مردم روستایی در مقیاس وسیع به شهرها شد. دوم اینکه، سیاست حمایتی دولت در مکانیزه کردن کشاورزی و جایگزینی واردات در بخش صنعتی و کم‌توجهی به کشاورزی سنتی منجر به افزایش فقر در نواحی روستایی و پیرامونی کشور و تشویق مهاجرت دسته‌جمعی به شهرها در دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ شد. سوم اینکه از سال ۱۹۸۳، نزاع بین ارتش ترکیه و شورشیان کرد به افزایش روند جابجایی و مهاجرت دسته‌جمعی از روستاهای آناتولی جنوب شرقی به سوی مراکز شهری وسیع در غرب ترکیه منجر شد (Köylüoğlu, 1995).

شکاف شدید درآمدی بین شهرها و حومه‌های شهری منجر به تشدید روند مهاجرت از مناطق روستایی و حاشیه‌ای به مناطق مرکزی شد. مسیر مهاجرت صرف‌نظر از برخی



استثنائات، از مناطق پیرامونی و حاشیه‌ای به مناطق شهری بوده است (Danielson and Keleş, 1985:86-7). براساس گزارش موسسه آمار دولتی، از هر ۱۰۰ نفر ساکن در استانبول در سال ۱۹۸۰ بیش از ۶۰ نفر پیشینه غیربومی داشتند. در آنکارا، ۴۰ درصد جمعیت این شهر در سال ۱۹۸۰ غیر بومی بودند (Cerit, 1986:97).

نخستین پیامد این مهاجرت، شکل‌گیری آلونک‌ها و تشکیل طبقه حاشیه‌نشین شهری بود؛ این تازه‌واردان جدید در بخش اقتصاد رسمی به کار گرفته نمی‌شدند، بلکه عمدتاً در بخش‌های غیر رسمی اقتصاد جذب می‌شدند. آنها به خانه‌های ارزان‌قیمت نیاز داشتند ولی ناکامی دولت در تهیه و تدارک و برآورده کردن خواسته‌هایشان، کارگران مهاجر کم‌درآمد را به سمت ساخت آلونک‌های شهری^۱ از طریق تصرف غیر قانونی زمین دولتی و بدون مجوز ساخت سوق دادند. برای مثال، بیش از ۷۰ درصد از جمعیت شهر آنکارا در مساکن غیرقانونی زندگی می‌کنند؛ این رقم در استانبول، از میر و آدانا ۵۵ درصد و ۴۰ درصد در ارزروم و سامسون است (Keleş, 1989:88). در سال ۱۹۸۵، ۳۰ درصد از کل جمعیت شهری در آلونک‌های موقت مناطق شهری بصورت غیرقانونی زندگی می‌کردند (Keleş, 1988). از سال ۱۹۷۵ یک چهارم جمعیت شهری در چنین آلونک‌های موقت شهری زندگی می‌کنند و این مناطق شهری تبدیل به مهم‌ترین پایگاه‌های اجتماعی احزاب سیاسی برای بسیج و حمایت سیاسی شدند (Yavuz, 2003:83).

دغدغه‌های اقتصادی به همراه مطالبات هویتی و مذهبی زمینه همکاری طبقه حاشیه‌نشین شهری را با احزاب سیاسی اسلام‌گرا بویژه در رقابت‌های انتخاباتی محلی و سراسری فراهم ساخت. همین امر به این مناطق شهری در ترکیه مشروعیت بخشیده و دامنه توسعه و گسترش این نوع از مناطق شهری را افزایش داد. نتیجه این تغییرات در حوزه سیاسی در مجموع به نفع احزاب و گروه‌های اسلامی تمام شد، این مهاجرین آداب و رسوم، باورها، اعتقادات و عادت‌های سنتی خود را نیز به شهرها آوردند. بسیاری از این مهاجرین روستایی که از ریشه‌های خود جدا و از خود بیگانه شده بودند، در آلونک‌های موقت شهری در حومه شهرهای بزرگ زندگی می‌کردند و با فرهنگ شهری عجین نشده بودند. آنها نماینده بخش مهمی از رأی دهندگان بالقوه احزاب اسلامی (نظیر سلسله احزاب دیدگاه ملی اربکان) بودند



انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association

جمعية دراسات العالم الإسلامي

فصلنامه علمی - پژوهشی

پژوهش‌های بانی جهان اسلام

۱۲۲

سال پنجم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۰

که مخالف غربی شدن و نیروهای جهانی شدن بودند.

در عین حال، هجوم گسترده مهاجران باعث نزدیکی هر چه بیشتر دو بخش متفاوت جامعه ترکیه یعنی؛ بخش شهری و سکولار، و روستایی و دیندار شد که موجب تشدید تنش‌های اجتماعی و «برخورد تمدن‌ها» در داخل گردید. گذشته از این، پویایی سیاسی جامعه ترکیه ریشه در همین شکاف و تقابل بین حاشیه‌ی فقیر، روستایی، سنتی، مذهبی و مخالف غربی‌سازی در مقابل مرکز مرفه، شهری، مدرن، سکولار و غربگرا دارد. نکته مهم آنکه در درون این طبقه شهری فقیر و سنتی، اسلام ابزار اتحاد و عامل همبستگی و انسجام گروهی است. آن‌ها آموزه‌های قرآنی و سنت‌های اسلامی در این شرایط شهری جدید را بازتفسیر می‌کنند تا از آن به‌عنوان ابزاری برای فهم جهان سیاسی و اجتماعی جدید و زندگی شهری نگران‌کننده، بهره می‌گیرند.

واقعیت آنست که مقامات دولتی ترکیه در ابتدا نظر یا طرح مشخصی در خصوص توسعه شهری از نوع حاشیه‌نشینان شهری نداشتند؛ اما بعدها بتدریج حکومت، خود را با این الگوی شهری تطبیق داد و به دلیل پیروی از سیاست انتخاباتی و نیاز به پایگاه حمایتی آن‌ها باعث شد تا دو طرف نیاز متقابل به یکدیگر را بیشتر احساس کنند. در واقع، نیاز حکومت به رأی دهندگان این طبقه، حمایت سیاسی و توانایی بسیج سیاسی آن‌ها در مواقع لازم از یکسو و نیاز مبرم حاشیه‌نشینان شهری به دریافت خدمات شهری و همگانی از سوی دیگر حکومت و حاشیه‌نشینان شهری را بیش از پیش به همدیگر نزدیک ساخت.

حزب رفاه قبل از روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه، سازمان‌یافته‌ترین حزب در میان تمامی احزاب سیاسی بود و به همراه تعداد کثیری از مسلمانان متدین به‌ویژه زنان که داوطلبانه برای حزب کار می‌کردند و شبکه‌ای از کمک‌های رفاهی - اجتماعی را برای فقرا تدارک می‌دیدند. شبکه‌های مردمی حزب فوق‌العاده مؤثر بودند؛ آن‌ها در آلودگی‌ها و دیگر مناطق شهری فقیر کار می‌کردند، به ساکنان در پیدا کردن شغل کمک می‌کردند، بیمارستان و مراقبت‌های پزشکی فراهم می‌کردند، غذای رایگان توزیع می‌کردند و دیگر تسهیلات اجتماعی تدارک می‌دیدند (B. White, 2002).

اتفاقاً حزب عدالت و توسعه از این زیرساخت‌های اجتماعی موجود برای موفقیت‌های انتخاباتی خود در انتخابات سراسری و به‌ویژه محلی به بهترین نحو سود برد. حاشیه‌نشینان



شهری به دلیل تناسب دیدگاه‌ها، باورها و جهان‌بینی مذهبی با حزب عدالت و توسعه و نیاز اقتصادی به کمک مالی حزب حاکم به سمت حمایت سیاسی و انتخاباتی از حزب عدالت و توسعه در دهه اخیر سوق پیدا کرد. از سوی دیگر، توان بسیج سیاسی این طبقه فوق‌العاده پویا برای حمایت از موجودیت حزب بویژه در مقابل نهادهای سکولار، ارتش و نظامیان و اهمیت پایگاه اجتماعی و انتخاباتی آن‌ها باعث شد تا حزب عدالت و توسعه نیز به سوی یک همکاری و ائتلاف با این طبقه نوظهور اجتماعی متمایل شود.

تلفیق اولویت‌های فرهنگی جناح راست (طبقه متوسط سنتی) با دغدغه‌های اقتصادی جناح چپ (طبقات پایین شهری و روستایی) به گسترش جاذبه و حمایت سیاسی حزب عدالت و توسعه کمک شایانی کرد. حزب عدالت و توسعه با کسب ۳۴ درصد از آراء در انتخابات نوامبر سال ۲۰۰۲م - با اختلاف قاطع نسبت به حزب سکولار جمهوری خلق که با کسب ۱۹ درصد از آراء در جایگاه دوم قرار گرفته بود - به پیروزی رسید. اتخاذ پیام سیاسی عمل‌گرا و میانه‌رو از جانب حزب عدالت و توسعه بدون تردید در موفقیت انتخاباتی حزب در انتخابات سال ۲۰۰۲م مؤثر بود. اما عوامل دیگری نیز نقش داشتند:

اولین عامل؛ عملکرد مخرب اقتصاد ترکیه بود، ارزش پول رایج ترکیه چندین بار کاهش یافت، بخش بانکداری ویران شد و افت اقتصادی به میزان ۵/۹ درصد در سال ۲۰۰۱م، بی‌سابقه بود. دومین عامل مؤثر، فساد بود. حزب عدالت و توسعه توانست از نارضایتی عمومی نسبت به کشف فساد در جریان غالب احزاب سکولار بهره‌برداری کرده و خود را به عنوان حزب «دولت پاک» معرفی کند. عامل سوم، استفاده حزب عدالت و توسعه از افول گرایش چپ ترکی در اوایل دهه ۱۹۹۰م، برد. حزب عدالت و توسعه (و قبل از آن حزب رفاه) در پر کردن خلاء ناشی از زوال تفکر چپ به‌ویژه در مناطق کارگری موفق بود. بیشترین دستاورد حزب عدالت و توسعه در بین مهاجران جدید در حومه مناطق شهری بود. گروهی که امروزه اکثریت نسبی را در نواحی شهری ترکیه تشکیل می‌دهند. آن‌ها مردمانی متدین و از نظر اجتماعی محافظه‌کار هستند که جذب هیچ یک از احزاب سکولار - چپ و راست - نشدند (Rabasa and Larabee, 2008:49).

بدون تردید، حومه مناطق شهری یکی از مهم‌ترین منابع قدرت حزب عدالت و توسعه است (Cagapty, 2007:26 and 36). حزب با مهارت تمام، از شبکه‌های اجتماعی



و زیرساخت‌های محلی توسعه یافته □ که بیشتر آن‌ها توسط حزب رفاه به منظور گسترش حمایت سیاسی در بین طبقه کارگر فقیر در مناطق شهری وسیعی از ترکیه دایر شده بود - کمک گرفت. گذشته از این، ثبات اقتصادی، دغدغه اصلی رأی دهندگان و عامل کلیدی در موفقیت انتخاباتی حزب عدالت و توسعه بود. در واقع، نتایج انتخابات محلی مارس ۲۰۱۴، انتخابات ریاست جمهوری اوت ۲۰۱۴ و انتخابات سراسری نوامبر ۲۰۱۵ حاکی از آنست که غالب رأی دهندگان و هواداران حزب حاکم عدالت و توسعه هنوز از طبقات پایین شهری و روستایی ترکیه‌اند. کارنامه موفق و قابل دفاع اردوغان شامل رشد اقتصادی، افزایش سرمایه‌گذاری خارجی، رونق تجارت خارجی، کاهش تورم و افزایش سطح درآمدها در دوران زمامداری حزب عدالت و توسعه (۲۰۱۶-۲۰۰۲) نقش بسزایی در پیروزی مجدد حزب عدالت و توسعه در دو انتخابات اخیر (انتخابات ریاست جمهوری اوت ۲۰۱۴ و انتخابات سراسری نوامبر ۲۰۱۵) داشته است.

هرچند در پی انتخابات ژوئن ۲۰۱۶ که حزب حاکم از دست‌یابی به اکثریت بازماند و با عدم ائتلاف احزاب دیگر قادر به تشکیل دولت نشد، اما بازهم به عنوان پیروز انتخابات توانست بیشترین آرا را بدست آورد. در انتخابات زودرس مجلس ملی ترکیه که در روز یکشنبه ۱۰ آبان ۱۳۹۴ (۱ نوامبر ۲۰۱۵) برگزار شد حزب حاکم توانست با کسب ۳۱۷ کرسی، اکثریت کرسی‌های لازم برای تشکیل دولت مستقل را از آن خود کند. در این انتخابات حزب عدالت و توسعه نسبت به انتخابات ۵ ماه قبل موفقیت چشمگیری بدست آورد و احزاب دموکراتیک خلق‌ها و حرکت ملی شکست محسوسی داشتند؛ در حالی که حزب جمهوری‌خواه خلق تغییر چندانی در تعداد کرسی‌های خود نداشت.

مجموع سه شهر استانبول، آنکارا و ازمیر به عنوان پرجمعیت‌ترین شهرهای ترکیه دارای ۳۰ درصد از جمعیت رأی دهندگان واجد شرایط در پارلمان و انتخابات محلی می‌باشند. در انتخابات محلی ۲۰۱۴ و انتخابات سراسری ۲۰۱۵ دو شهر مهم استانبول و آنکارا همچنان در سلطه حزب باقی ماندند و تنها در شهر مهم ازمیر، حزب جمهوری خلق همانند سال‌های گذشته به پیروزی رسید. به بیان دیگر در شهرهای استانبول، آنکارا، بوسا، آنتالیا، قونیه، ترابوزان، قاضی عنتپ، کایسری، آنتالیا، سامسون و ارزروم که اغلب حاشیه‌نشینان شهری ترکیه را در خود جای داده‌اند، حزب عدالت و توسعه توانسته است قاطعانه به پیروزی برسد.



قبل از حزب عدالت و توسعه، حزب رفاه به توان سیاسی این طبقه نوظهور اجتماعی - سیاسی آگاهی پیدا کرد و در انتخابات به نحو احسن از این طبقه و شبکه‌های اجتماعی شکل گرفته پیرامون آن به بهترین نحو ممکن استفاده کرد.

حزب به زودی دریافت که در مقابل سنگرهای مستحکم سکولاریسم، کمالیسم و نظامیان نیاز به دژ محکمی از طبقات اجتماعی حامی دارد. دغدغه‌های اقتصادی مشترک، همپوشانی علائق سیاسی و باور به هویت اسلامی مشترک، طبقه حاشیه‌نشین شهری و حزب عدالت و توسعه را بیش از پیش به هم نزدیک ساخت. طبقه مزبور به دلیل توان مالی کم، مشکل مسکن و کمبود خدمات شهری در مناطق حاشیه‌ای شهرها به توجه دولت نیازمند بود و البته علقه‌های مذهبی مشترک نیز این علاقه به پیوند و ارتباط و حمایت سیاسی از حزب عدالت و توسعه را افزایش می‌داد. از سوی دیگر، نیاز مبرم دولت به داشتن پایگاه اجتماعی به منظور حفظ حیات سیاسی در بلندمدت، نیروی سیاسی - اجتماعی برای مقابله با نهادهای سکولار در صورت نیاز، استفاده از توان بسیج سیاسی آن و پایگاه اجتماعی برای حمایت انتخاباتی از حزب در انتخابات دلیل موجهی بود که حزب عدالت و توسعه را نیز به همکاری و ائتلاف هوشمندانه با این طبقه سوق داد. از همین رو، حزب عدالت و توسعه اقدام به گنجاندن دغدغه‌ها و مطالبات اقتصادی، فرهنگی و هویتی طبقه حاشیه‌نشین شهری همچون: حمایت‌های اقتصادی و مالی و حمایت از حقوق فرهنگی و مذهبی همچون حمایت از لغو قانون ممنوعیت حجاب در دانشگاه‌ها و گسترش مدارس مذهبی امام خطیب در دستورالعمل‌های حزبی به منظور جلب نظر این طبقه فقیر اما تأثیرگذار، کرده است.

۳-۲- شکاف قومی؛ کردها و حزب عدالت و توسعه

اگرچه ترک‌ها اکثریت جمعیت جمهوری ترکیه را تشکیل می‌دهند، اما این کشور از نظر قومی به صورت جامعه‌ای متنوع باقی مانده است. کردها تقریباً یک پنجم جمعیت را تشکیل می‌دهند و مسئله ادغام کردها از نظر اجتماعی، داخلی و امنیتی به عنوان موضوع اساسی پیش روی کشور، همچنان به قوت خود باقیست (Özoğlu, 2002).

حزب عدالت و توسعه از زمان به قدرت رسیدن در سال ۲۰۰۲ شماری از برنامه‌های اصلاحاتی را برای مخاطب قرار دادن نارضایتی کردها طراحی و اجرا کرده است. در آگوست



۲۰۰۲، تلویزیون دولتی ترکیه پخش محدود برنامه‌های تلویزیونی به زبان کردی را آغاز کرد. برنامه اصلاحی حزب عرصه‌هایی همچون آموزش، مبارزه با فقر، کمک به بهبود معیشت اقتصادی را شامل می‌شود؛ برای مثال اجرای پروژه عظیم عمرانی معروف به «گاپ»^۱ در مناطق کردنشین آناتولی شرقی، به عقیده بسیاری از کارشناسان سیاسی و اقتصادی حائز اهمیت زیادی در ابعاد داخلی و بین‌المللی است. طرحی که حدود ۱۰ درصد از خاک ترکیه را در برمی‌گیرد و هدف تعریف شده آن، تولید برق از ۱۳ سد احداث شده بر روی رودخانه‌های بزرگ و پر آب دجله و فرات و آبیاری یک میلیون هکتار از زمین‌های کشاورزی حاصلخیز منطقه و بهبود وضعیت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی افراد ترکیه در جنوب شرق این کشور است (نگاه کنید به: <http://www.gap.gov.tr>).

این اصلاحات در وهله اول، به تقویت پایگاه اجتماعی و افزایش حمایت عمومی از حزب عدالت و توسعه در بین کردها انجامید. در انتخابات ۲۲ جولای ۲۰۰۷، میزان آرای حزب عدالت و توسعه در شهرهای شرقی و جنوب شرقی - که به طور سنتی به احزاب طرفدار کردها رأی می‌دادند - به دو برابر رسید (۵۴ درصد در سال ۲۰۰۷ در مقابل ۲۹/۲۷ درصد در سال ۲۰۰۲) (Karakaya Polat, 2008:1).

برخلاف انتخابات جولای ۲۰۰۷ که حزب عدالت و توسعه بیشتر کرسی‌های شهرهای کردنشین ترکیه در جنوب شرقی آناتولی را به دست آورده بود؛ در انتخابات شهرداری (مارس ۲۰۰۹)، حزب عدالت و توسعه در مقابل حزب جامعه دموکراتیک کردی^۲ در جنوب شرقی آناتولی که برای برنامه هویت فرهنگی کردها مبارزه می‌کرد، متحمل شکست شد (Akyol, 2009). پیام شکست در انتخابات مزبور، بیانگر اهمیت هویت فرهنگی در مقابل خواسته‌های مادی برای کردها بود. بنابراین، از انتخابات شهرداری ۲۰۰۹ به بعد حکومت اردوغان دست به ابتکار عمل در خصوص آغاز بکار یک برنامه فراگیر اقتصادی و فرهنگی برای حل مشکلات جامعه کردی ترکیه زد. فرایندی که همچنان ادامه دارد. حکومت به مذاکره فراگیر با بسیاری از عناصر جامعه ترکیه از جمله احزاب سیاسی عمده و ارتش برای سنجش ظرفیت اجرایی و کسب حمایت سیاسی دست زد (Larrabee, 2010:101-103).

حزب عدالت و توسعه علاوه بر اقدامات فرهنگی و اقتصادی دو اقدام مهم دیگر نیز برای

1. Güneydoğu Anadolu Projesi
2. DTP



حل مسئله کردی انجام داده است؛ نخست اینکه در سطح منطقه‌ای، ترکیه در دوران دولت حزب عدالت و توسعه پویایی بیشتری نسبت به دوره‌های قبل پیدا کرده است. برخلاف نجدت سزر که استدلال می‌کرد؛ تعهد ترکیه حفاظت از منافع ملی دیگران نیست، اردوغان بر این باور هست که ترکیه اختیار «تماشاگر صرف» بودن را ندارد (Larrabee, 2007: 103-114). دولت اردوغان با هوشمندی تمام به این نکته پی برد که حل مسئله کردها تنها با اصلاحات در داخل تحقق نخواهد یافت، بلکه می‌بایست در عرصه منطقه‌ای و بین‌المللی نیز به دنبال دیپلماسی فعال و تماس‌های مستقیم با طرف‌های منازعه بویژه دولت عراق و حکومت منطقه‌ای کردستان برای مقابله با تهدیدات پ.ک.ک باشد (Rabasa and Lara, 2008: 75-91).

تا قبل از سال ۲۰۰۸، حکومت اردوغان و بویژه ارتش ترکیه از برقراری تماس‌های مستقیم با مقامات حکومت منطقه‌ای کردستان در شمال عراق هراس داشتند. با این استدلال که برقراری چنین تماس‌هایی ممکن است انگیزه استقلال حکومت مرکزی کردستان را هرچه بیشتر تقویت کند. از اواخر سال ۲۰۰۸، تماس بین حکومت اردوغان با اقلیم کردستان افزایش یافته است. در اکتبر ۲۰۰۸ میلادی، برای اولین بار مراد اوزچلیک^۱ فرستاده ویژه ترکیه به عراق و احمد داود اوغلو^۲ با مسعود بارزانی رئیس حکومت منطقه‌ای کردستان در بغداد ملاقات کردند (Salaheddin, 2008). این دیدار اولین تماس مقامات ترکیه و بارزانی در سطوح عالی بوده است.

همچنین در مارس ۲۰۰۹، اولین دیدار عبدالله گل^۳ رئیس‌جمهور ترکیه با نجیروان بارزانی، در سفر به بغداد شکل گرفت (Hürriyet Daily News and Economic Review, March, 2009, 19). دیدار عبدالله گل نشانگر تحول مهمی در دیدگاه ترکیه در خصوص برقراری روابط با حکومت منطقه‌ای کردستان بود. گل در طی این دیدار از واژه کردستان برای اشاره به حکومت منطقه‌ای کردستان استفاده کرد. این امر نشانگر یک خروج اصلی از سیاست دهه‌های گذشته مبنی بر انکار هویت کردی و تمامیت ارضی حکومت منطقه‌ای کردستان است (Kardaş, 2009a). عبدالله گل به‌عنوان یکی از حامیان قوی تجدید رابطه با حکومت



1. Murat Özçelik
2. Ahmet Davutoğlu
3. Abdullah Gül

منطقه‌ای معتقد است؛ یک فرصت تاریخی در نتیجه اجماع بین رهبران سیاسی و مقامات نظامی برای حل مسئله کردی بوجود آمده است (Kardaş, 2009b). سفر تاریخی و نمادین مسعود بارزانی رهبر اقلیم کردستان عراق در سال ۲۰۱۳ به دیاربکر در پاسخ به دعوت اردوغان که برخی از روزنامه‌های ترکی، عربی و کُردی از آن با عنوان رنسانس نام بردند، نشانگر عزم راسخ حزب عدالت و توسعه برای گسترش روابط با اقلیم کردستان عراق بود. در حال حاضر، ترکیه مهم‌ترین سرمایه‌گذار خارجی در اقلیم کردستان عراق است. آینده اقلیم کردستان عراق بویژه در عرصه اقتصادی، وابستگی شدیدی به روابط با ترکیه دارد. بیش از ۸۰ درصد کالاهایی که در اقلیم کردستان عراق به فروش می‌رسند، ساخت ترکیه بوده و تقریباً ۱۲۰۰ شرکت ترکی در این منطقه سرمایه‌گذاری کرده‌اند. در واقع، بیش از ۵۰ درصد شرکت‌های خارجی سرمایه‌گذار در کردستان عراق را شرکت‌ها و سرمایه‌گذاران ترک تشکیل می‌دهند.

هرچند اقلیم کردستان عراق از نظر ذخائر نفتی، غنی و ثروتمند است، اما نیاز شدیدی به تکنولوژی و سرمایه‌گذاری خارجی دارد. از همین رو، اقلیم کردستان عراق به ترکیه به عنوان یکی از بهترین شرکای اصلی برای سرمایه‌گذاری نگاه می‌کند. ترانزیت انرژی شمال عراق به بازارهای جهانی بویژه اروپا از طریق اراضی و بنادر ترکیه منافع متقابل زیادی برای دو طرف دارد. از یکسو درآمد سرشاری را برای اقلیم کردستان عراق به دنبال خواهد داشت و از سوی دیگر، ترکیه می‌تواند از نفت و گاز بسیار ارزان‌تر آن در قیاس با منابع انرژی روسیه بهره‌مند شده و از میزان وابستگی انرژی به روسیه بکاهد. همانطوری که هنری برکی^۱ خاطرنشان می‌سازد، هر دو طرف انگیزه قوی برای پیدا کردن راه‌حل سیاسی با عنوان معامله بزرگ در بلندمدت را دارند (Barkey, 2007: 51-57).

گذشته از این، حزب عدالت و توسعه در عرصه داخلی از اوایل ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۵ مذاکرات صلحی را میان دولت ترکیه با عبدالله اوجلان^۲ رهبر محبوس حزب کارگران کردستان ترکیه (پ.ک.ک) آغاز کرد که یکی از نتایج اولیه آن اعلام آتش‌بس و سپس آغاز عقب‌نشینی نیروهای پ.ک.ک بود. فرایند صلح با پ.ک.ک و نحوه خروج نیروهای آن‌ها از خاک ترکیه و انتقال

1. Henri Barkey

2. Abdullah Öcalan



انجمن مطالعات جهان اسلام

Islamic World Studies Association

جمعية دراسات العالم الإسلامي

فصلنامه علمی - پژوهشی

پژوهش‌های یاسی جهان اسلام

به شمال عراق شامل ۵ مرحله می‌شد: مرحله اول: آتش‌بس؛ در این مرحله، اقدامات مؤثری همچون شکل‌گیری هیئت شصت‌وسه نفره فرزندگان صلح و ایجاد کمیسیون هفده نفره ناظر بر صلح از سوی مجلس ترکیه اتفاق افتاد. مرحله دوم؛ عقب‌نشینی نیروهای نظامی پ.ک.ک. از خاک ترکیه را شامل می‌شد. دولت ترکیه با تضمین‌هایی که به پ.ک.ک. داد، این مرحله بدون تنش صورت گرفت و بخشی از دو هزار چریک پ.ک.ک. به اقلیم کردستان عراق عقب‌نشینی کردند. مرحله سوم؛ در خصوص تغییرات قانون اساسی است. مرحله چهارم هم کنار گذاشتن سلاح از سوی اعضای پ.ک.ک. است که البته گروهی از ترک‌ها معتقد بودند این مرحله باید قبل از مرحله سوم باشد. در عین حال، در بین خود کردها هم درباره این موضوع اختلاف وجود داشت. مرحله پنجم، بازگشت اعضای پ.ک.ک. به خانه‌هایشان و شرکت آن‌ها در فرایند سیاسی بود. علی‌رغم نتایج ملموس و امیدوارکننده در گام‌های نخستین، مذاکرات صلح در نتیجه زیاده‌خواهی‌های پ.ک.ک. و قتل دو تن از افسران پلیس در سال ۲۰۱۵ از یکسو و بدعهدی‌های اردوغان به شکست انجامید که همین امر منجر به شروع درگیری‌ها بین دولت و گروه تروریستی پ.ک.ک. در شدیدترین شکل ممکن شده است.

برای بررسی میزان موفقیت حزب عدالت و توسعه به بررسی انتخابات شهرداری‌ها در مارس سال ۲۰۱۴ م می‌پردازیم. نگاهی به جدول نتایج انتخابات محلی ۲۰۱۴ و آرای کسب شده توسط احزاب مختلف در مناطق کردنشین ترکیه خود گویای بسیاری از جنبه‌های پیدا و پنهان مسئله است.

جدول میزان آرای کسب شده توسط احزاب سیاسی در ۲۵ استان کردنشین (انتخابات محلی ۲۰۱۴)

ردیف	حزب	تعداد آراء
۱	عدالت و توسعه (AKP)	۳/۹۲۵/۲۸۰
۲	صلح و دموکراسی (BDP)	۱/۵۷۸/۱۹۴
۳	حرکت ملی (MHP)	۴۲۷/۷۲۲
۴	جمهوری خلق (CHP)	۴۶۵/۵۱۲
۵	سعادت (SP)	۶۲۲/۲۰۸
۶	اتحاد بزرگ (BBP)	۶۶۱/۹۵۰



ردیف	حزب	تعداد آراء
۷	مطالبه آزاد (HUDAPAR)	۴۸/۸۱۸
۸	حق و آزادی (HAKPAR)	۶۱/۸۹۷
۹	مجموع آراء	۷/۷۸۱/۲۹۴

نگاه کنید به: <http://kurdpress.com/Fa/NSite/FullStory/News>

همانگونه که از جدول نتایج انتخابات شهرداری‌ها در سی‌ام ماه مارس سال ۲۰۱۴ (دهم فروردین) در مناطق کردنشین ترکیه مشخص هست، حزب عدالت و توسعه به رهبری اردوغان در مناطق کردنشین ترکیه، همچنان حزب مسلط است و با کسب سه میلیون و پانصد هزار رأی در این مناطق یعنی دو برابر بیشتر از نامزدهای پ.ک.ک، هوادار دارد. در مقابل میزان آرای نامزدهای پ.ک.ک در هر دو حزب صلح و دموکراسی و حزب دموکراتیک خلق‌ها، رو به کاهش گذاشته و شواهد نشان می‌دهد که این نامزدها در مسیر رشد و کسب قلمروها و سکوهایی جدید نیستند. در انتخابات سراسری ۲۰۱۵ نیز حزب عدالت و توسعه با هدایت احمد داود اوغلو در مقام نخست وزیر در مناطق کردنشین آناتولی به موفقیت چشمگیری دست یافت.

ابتکار عمل دولت در مخاطب قرار دادن اقلیت کردی با عنوان فرایند صلح پیشرفت مهمی است. این اولین تلاش جدی از زمان تورگوت اوزال برای مخاطب قرار دادن جمعیت کردهای ترکیه است. اگر این ابتکار عمل موفقیت‌آمیز باشد، نتایج مهمی را برای تحول سیاسی ترکیه در برداشته و یکی از جدی‌ترین تهدیدهای ثبات داخلی ترکیه را از میان برخواهد داشت (İdiz, 2009). چرا که تلاش پ.ک.ک برای ایجاد دولت مستقل کردی در جنوب شرقی آناتولی نگرانی امنیتی شماره یک دولت ترکیه است. هر چند که فعلاً مذاکرات صلح جای خود را به درگیری و خشونت افسارگسیخته بین طرفین داده است، اما ابتکار جدید دولت «بینالی یلدریم» تحت عنوان «بسته اصلاحی» با هدف حمایت از سرمایه‌گذاری در منطقه شرق و جنوب شرق آناتولی و بازسازی تأسیسات و مسکن مخروبه ناشی از عملیات پاکسازی و مقابله با جنگجویان گروه تروریستی پ.ک.ک می‌تواند نتایج سودمندی را برای گشایش باب جدیدی از اقدامات اصلاحی برای مناطق کردنشین آناتولی به دنبال داشته باشد.



انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الإسلامي
فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهش‌های بنیادی جهان اسلام

تلفات انسانی، هزینه‌های سنگین مالی و وجهه منفی ناشی از سال‌ها جنگ با گروه تروریستی پ.ک.ک. صدمات جبران‌ناپذیری به جامعه ترکیه وارد ساخته است. بی‌تردید، یکی از دلایل حضور و نقش پررنگ ارتش و نظامیان در حیات سیاسی ترکیه وجود چالش تجزیه‌طلبی و حملات تروریستی پ.ک.ک. است که در صورت حل آن مهم‌ترین بهانه آن‌ها برای در صحنه ماندن به‌طور سیستماتیک از بین می‌رود. کاهش نقش نظامیان در سیاست یکی از مهم‌ترین برنامه‌ها و اهداف حزب عدالت و توسعه به‌عنوان بخشی از روند دموکراتیزاسیون ترکیه و یکی از ملزومات الحاق به اتحادیه اروپا است. حل مسئله کردها ناخودآگاه توجیه عقلانی حضور پررنگ ارتش برای مقابله با کردها را زیر سؤال خواهد برد.

اردوغان به‌خوبی دریافت که تأکید صرف بر مسائل اقتصادی هرچند ضروری بوده ولی کافی نبوده است. از همین رو، پس از شکست انتخاباتی ۲۰۰۹ در کنار توجه به مسائل اقتصادی و معیشتی کردها به دغدغه‌های اجتماعی و فرهنگی آن‌ها پرداخت. حزب عدالت و توسعه به‌منظور پاسخگویی به مطالبات جمعیت کردنشین این کشور از یکسو دست به ابتکار عمل مهمی همچون آغاز مذاکرات صلح با پ.ک.ک. و ارائه بسته دموکراتیک که حاوی بخشی از خواست‌های فرهنگی و اجتماعی کردها می‌باشد، کرد. از سوی دیگر، فرایند توسعه و آبادانی مناطق کردنشین آناتولی و ارائه خدمات بیشتر رفاهی و حمایت از سرمایه‌گذاری‌های بیشتر اقتصادی در جنوب شرقی ترکیه را شدت بخشید. چراکه علی‌رغم موفقیت حزب عدالت و توسعه در جذب آرای مردم نواحی کردنشین ترکیه در انتخابات محلی و ریاست جمهوری ۲۰۱۴ و انتخابات سراسری ۲۰۱۵، برای تداوم موفقیت‌هایش در عرصه انتخابات پارلمانی و ریاست جمهوری آتی و تغییرات مدنظر نیاز به آرای مناطق کردنشین جنوب شرقی آناتولی دارد.

حل مسئله کردها می‌تواند مشکل حقوق بشر ترکیه در خصوص رعایت حقوق اقلیت‌ها را برطرف سازد. این مسئله همچنین می‌تواند به درخواست عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا تحرک و نیروی جدیدی ببخشد. (برای مطالعه بیشتر در خصوص الحاق ترکیه به اتحادیه اروپا بنگرید به: مفیدی احمدی، ۱۳۹۳: ۱۷۷-۲۰۲). با وجود این، در نتیجه افزایش خشونت‌ها و میزان تلفات نظامیان و شهروندان غیرنظامی در ماه‌های اخیر و شکل‌گیری بی‌اعتمادی و تنفر عمیق از خشونت‌های گروه تروریستی پ.ک.ک. هرگونه تلاش حزب



عدالت و توسعه برای ازسرگیری مذاکرات با پ.ک.ک با مخالفت‌های قدرتمندی از سوی جناح راست ناسیونالیستی بویژه حزب حرکت ملی و بخش‌هایی از حزب جمهوری خلق مواجه خواهد شد. درواقع، حزب عدالت و توسعه و شخص رئیس‌جمهور نه اراده و تمایلی برای ازسرگیری و شروع مجدد مذاکرات صلح دارد و نه توان لازم. به نظر می‌رسد که در حال حاضر، استراتژی حزب در مقابله با گروه تروریستی پ.ک.ک از شیوه مذاکره مستقیم به بهره‌گیری همزمان از قدرت سخت‌افزاری نیروهای نظامی و امنیتی و اصلاحات اقتصادی به منظور افزایش سطح سرمایه‌گذاری‌ها و گسترش رفاه و محرومیت‌زدایی از مناطق کردنشین جنوب و جنوب شرقی آناتولی تغییر جهت داده است.

۳-۳- شکاف مذهبی؛ علویان و حزب عدالت و توسعه

در کنار جریان غالب و اکثریت اسلام سنی در ترکیه، علویان را می‌توان اقلیت مذهبی عمده و عامل اثرگذار در شرایط سیاسی و اجتماعی ترکیه دانست. درباره جمعیت علویان در ترکیه آمارهای متفاوتی وجود دارد. بر اساس برخی از برآوردها، علوی‌ها، ۷۰ درصد از اقلیت مسلمانان غیر سنی و تقریباً ۱۵ میلیون را تشکیل می‌دهند و ۳۰ درصد بقیه شیعه هستند. برخی از برآوردهای دیگر نیز کمتر و از ۵ تا ۱۰ میلیون در نوسان است. اغلب علویان ترکیه ترک هستند، اما این فرقه اغلب اعراب ترکیه و تقریباً یک چهارم کردها را نیز شامل می‌شود.

سیاست کمالیستی در راستای تعطیلی عبادتگاه‌های فرقه‌های مذهبی، تأثیر نامطلوبی بر اعمال مذهبی علویان داشت، اما آن‌ها از استقرار جمهوری سکولار به دلیل قطع پیوند آن با اسلام سنی به‌عنوان مذهب دولتی و پایان بخشیدن به تبعیض رسمی علیه علویان حمایت کردند. همین مسئله برای تعدادی از علوی‌ها کافی بود تا آتاتورک را به‌عنوان مهم‌ترین شخصیت سیاسی در تاریخ علوی تلقی کنند. از طرف دیگر، گونر^۱ معتقد است که جمهوری ترکیه علی‌رغم ماهیت سکولار خود، موقعیت ممتاز اسلام سنی را به‌عنوان ویژگی معرف هویت ترکیه حفظ کرده و به وضعیت علویان به‌عنوان بیگانگان تداوم بخشیده است (Göner, 2005: 111-113).

بعد از کودتای ۱۹۶۰، هویت علوی‌ها به لحاظ سیاسی با احزاب دست چپی مشخص

1. Özlem Göner



می‌شد. مارکسیسم در بین جوانان علوی ریشه گرفت و آن‌ها دست به بازتعریف علویسم به عنوان جنبش سوسیالیستی زدند و همین امر باعث شد تا آماج حملات گروه‌های افراطی دست راستی قرار گیرند. در ماجرای کاهرامان ماراش^۱ در سال ۱۹۷۸، گروه دست راستی گرگ‌های خاکستری تقریباً ۱۰۰ نفر از فعالان دست چپی علوی را به قتل رساندند (Kin-zer,2001:64).

بعد از کودتای ۱۹۸۰، آنچه که دانشمند برجسته ترک علوی، رها چامور اوغلو^۲ از آن با عنوان «رئیس علوی» یاد می‌کند، شروع شد. علوی‌ها به تدریج با کنار گذاشتن ایدئولوژی سوسیالیستی دوباره به مذهب و هسته جامعه علویسم روی آوردند (Rabasa and Lara-bee,2008:21-22).

در انتخابات پارلمانی ۲۰۰۷ م، دگرگونی قابل ملاحظه‌ای در الگوی گذشته رخ داد. چامور اوغلو از فهرست انتخاباتی حزب عدالت و توسعه به نمایندگی پارلمان برگزیده شد. علی‌رغم نگرش منفی حزب عدالت و توسعه و علویان ترکیه نسبت به همدیگر، اردوغان از او برای پیوستن به فهرست حزب عدالت و توسعه دعوت به عمل آورد (Rabasa and Lara-bee,2008:22). این در حالی بود که رهبر بنیاد علوی جم^۳، عزالدین دوغان^۴ از علوی‌ها برای رأی دادن به حزب جمهوری خلق و دیگر احزاب سکولار دعوت کرد؛ چرا که وی معتقد بود حزب عدالت و توسعه خواهان براندازی نظام سکولار موجود است (Today's Zaman, July 18,2007).

اوایل حکومت حزب عدالت و توسعه بویژه دوره اول - نوامبر ۲۰۰۲ تا جولای ۲۰۰۷ - دوره‌ای بود که منجر به ناامیدی و یأس علویان شد. نخست‌وزیر رجب طیب اردوغان در سخنرانی‌های عمومی‌اش سخنی از علویان به میان نمی‌آورد. هیچ تلاشی از سوی حزب عدالت و توسعه برای به‌کارگیری نمایندگان جمعیت علوی و نهادهای جامعه مدنی علویان صورت نگرفت. مطالبات اجتماعی، سیاسی و هویتی علوی‌ها با انکار یا مخالفت در این دوره مواجه شد. هیچ بیان و سیاست روشنی در خصوص مطالبات علویان در برنامه حزب حتی در

1. kahrmanmaraş
2. Reha Çamuroğlu
3. Cem
4. İzzettin Doğan



بیانیه انتخاباتی ژوئن ۲۰۰۷ وجود نداشت (Güven ve İstikrar İçinde Durmak Yok Yola) (Devam", June 2007).

با انتخاب مجدد حزب عدالت و توسعه در سال ۲۰۰۷ دولتمردان و سیاستمداران سطوح بالای حزب از جمله رئیس‌جمهور، نخست‌وزیر و دیگر اعضای کابینه، جامعه علوی ترکیه را به‌طور خیلی سمبلیک با اصطلاح «گشایش علوی»^۱ مورد خطاب قرار دادند (GÜNAY and TÜRK, 2010). طرح گشایش علوی بویژه از سال ۲۰۱۰ به بعد بیانگر تلاش دولت اردوغان برای ایجاد پل بر روی شکاف جامعه علویان و دولت (و حزب حاکم) با هدف از میان برداشتن تدریجی و مرحله‌به‌مرحله مشکلات جمعیت علوی این کشور است. برنامه مزبور در واکنش به تبعیض، بی‌عدالتی و اقدامات شیطنت‌آمیز علیه علویان به دنبال ایجاد فضای بیشتر برای علویان در درون جامعه ترکیه و کسب شرایط مساوی و برابر با دیگر شهروندان هم از نظر مادی و هم روان‌شناختی است. روی هم رفته، تلاش‌های اخیر همکاری‌های جدید بین علویان و عرصه عمومی را ترویج داده است. (SUBAŞI, 2010: 166).

اما آغاز بحران سوریه و نوسان سیاست خارجی ترکیه از میانجیگری تا حمایت از گروه‌های مخالف بشار اسد، چشم‌انداز طرح گشایش علوی برای مخاطب قرار دادن علویان کشور را با موانع عمده‌ای روبرو ساخت. اردوغان برای مخاطب قرار دادن علویان در ۱۷ جولای ۲۰۱۳ این‌گونه گفت: «فتنه‌گران... می‌خواهند برادران علوی را از ما جدا کنند. این در حالی است که بین ما هیچ تفاوت و اختلافی وجود ندارد و آنان نیز مسلمان هستند. من قاطعانه اعلام می‌کنم که اگر علوی بودن، عشق به حضرت علی رضی الله عنه است، من نیز یک علوی کامل هستم.» (در این باره نگاه کنید به <http://www.kurdpress.com>).

عذرخواهی نمادین اردوغان به نام دولت ترکیه از 'کردهای علوی' استان 'تونج‌علی' به علت کشتار و تبعید آنان در دهه ۱۹۳۰ حرکت جسورانه‌ای بود که فصل جدیدی را در مناسبات ناخوشایند سنی‌ها و علویان در ترکیه گشود. مخاطب قرار دادن مطالبات علویان صرفاً یک موضوع سیاسی از سوی حزب عدالت و توسعه نیست، بلکه فرصت تاریخی برای فرونشاندن یک تنش قدیمی در طول قرن‌ها است. همچنین لازمه تضمین حقوق مساوی برای همه شهروندان ترکیه است. فعلاً مشخص نیست که حزب عدالت و توسعه آیا قادر به



پاسخ‌دهی به مطالبات علویان علی‌رغم موانع اجتماعی، سیاسی، قانونی و روان‌شناختی خواهد بود یا نه، اما بدون شک، انتظار حل مشکلات پیچیده تاریخی در طی یک دوره نسبتاً کوتاه امری غیرواقعی است. با این حال اگر فرایند مزبور موفقیت‌آمیز باشد تأثیر مثبتی در سطح سیاسی و ریشه‌های تنش و بی‌اعتمادی دوطرفه خواهد داشت. موفقیت گشایش علوی به تشکیل کانال‌های گفتگو و مشورت پایدار بین علوی‌ها و دولت از یکسو و بین شهروندان علوی با شهروندان سنی کمک به سزایی خواهد کرد.

حکومت ترکیه در حال کار روی پیش‌نویس یک لایحه اصلاحی است که به علویان اجازه می‌دهد دروس مذهبی مدارس را خودشان انتخاب کنند و برای اماکن مذهبی آن‌ها حقوقی مانند مساجد قائل می‌شود. انتظار می‌رود بسته اصلاحی مذکور در ماه ژانویه ۲۰۱۵ توسط حزب عدالت و توسعه ارائه شود و به دانش‌آموزان علوی حق انتخاب دروس مذهبی مدارس را بدهد و در عین حال حکومت جمع‌خانه‌ها را به عنوان پرستش‌گاه به رسمیت بشناسد.

در مجموع، دولت اردوغان از پیگیری فرایند گشایش علوی اهداف زیر را دنبال می‌کند: پذیرش مطالبات هویتی علویان از طریق فرایند گفتگوی عمومی، ارتقای جایگاه شهروندان علوی در نتیجه فرایند گفتگو و مشورت، شناخت بیشتر دو طرف منازعه از یکدیگر بواسطه در معرض دید قرار دادن مؤلفه‌های فرهنگی، جهان‌بینی و مشکلات دو طرف، به حاشیه رفتن فضای دوقطبی علوی - سنی، ظهور رهبران در دو طرف درگیری با دیدگاه‌های سازنده و جایگزینی تدریجی گفتمان مذاکره با گفتمان مقابله و... (KÖSE,2010:161).

در نتیجه پراکندگی جغرافیایی علویان در ترکیه و عدم وجود آمار تفصیلی در خصوص نتایج انتخابات بر اساس مذهب نمی‌توان آمار دقیقی از میزان حمایت علویان از حزب عدالت و توسعه بدست آورد. اما قلمرو سنتی علویان ترکیه مناطق شرقی و مرکزی آناتولی می‌باشد. در همین راستا، در شهرهای چوروم^۱، آماسیا^۲، توکات^۳، یوزگات^۴، چانکری^۵، سیواس^۶،



انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الإسلامي

فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های بانی جهان اسلام

۱۳۶

سال پنجم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۰

1. Çorum
2. Amasya
3. Tokat
4. Yozgat
5. Çankırı
6. Sivas

الازیغ^۱، مالاتیا^۲، آدی یامان^۳، بینگل^۴ که اغلب جمعیت علویان ترکیه در آن ساکن هستند؛ حزب عدالت و توسعه در انتخابات اخیر سراسری ۲۰۱۵ به پیروزی رسید.

در واقع، خاطرات تاریخی ناخوشایند علویان ترکیه از خشونت‌های ناسیونالیست‌ها از یکسو و بدگمانی و سوءظن در خصوص اعمال محدودیت‌های مذهبی در صورت روی کار آمدن اسلام‌گرایان از سوی دیگر، علویان را به سمت حزب جمهوری خلق به‌عنوان آلترناتیو سیاسی سوق داده است. اما از زمان روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه بویژه از سال ۲۰۰۷ به بعد شاهد تکاپوی دولت اردوغان و روشنفکران حزب عدالت و توسعه برای حل دغدغه‌های جامعه علوی این کشور هستیم. تلاش دولت اردوغان برای به رسمیت شناختن هویت علوی؛ قانونی کردن عبادتگاه‌های مخصوص علویان، معرفی چهره‌های شاخص علوی در لیست انتخاباتی حزب عدالت و توسعه، مخاطب قرار دادن مشکلات جامعه علوی، دفاع از آزادی مذهبی علویان در انجام مراسم و مناسک مذهبی، حمایت شخص اردوغان از چاپ نشریات ادواری در خصوص علویان با عنوان گزارشات علوی و ... نشانگر اقدام آگاهانه برای پر کردن شکاف موجود در ساخت اجتماعی ترکیه یعنی شکاف سنی - علوی است.

برخلاف فرایند صلح با کردها که مهم‌ترین مانع آن مخالفت نیرومند بخش‌های مهمی از احزاب مخالف است؛ در چالش علوی اصلی‌ترین مانع موجود در بین خود علویان و بی‌اعتمادی آن‌ها به ساختار سیاسی به‌طور عام و حزب حاکم به‌طور خاص است. باید اذعان داشت سه واقعه مهم در سال‌های گذشته، شکاف سنی - علوی را در ترکیه تشدید کرده است. نخست؛ سیاست خارجی ناموفق حزب عدالت و توسعه در بحران سوریه که هم حوادث ریحانلی و کشته شدن شهروندان ترکیه را به دنبال داشته و هم این مسئله را در اذهان عمومی علویان تداعی می‌کند که دولت اردوغان در تلاش برای حذف علویان از جغرافیای سیاسی کشور سوریه است. دوم؛ نامگذاری پل جدید در استانبول به نام سلطان یاوز که برای علویان ترکیه تداعی‌کننده قتل عام علویان در قرون گذشته بوده است. سوم؛ حوادث پارک گزی استانبول و کشته شدن شماری از شهروندان ترکیه که بیشترشان علوی بودند، هرچه

1. Elazığ
2. Malatya
3. Adıyaman
4. Bingöl



بیشتر بر دامنه ناامیدی علویان نسبت به اصلاحات مدنظر حزب عدالت و توسعه می‌افزاید. با وجود این، مطمئناً حزب عدالت توانسته بسیاری از تابوهای جامعه از جمله کردها و بویژه مسئله‌ای به نام علویان را بشکند. علویان ترکیه در آینده و بویژه انتخابات آتی می‌توانند پایگاه حمایتی خوبی برای حزب عدالت و توسعه باشند. موفقیت حزب عدالت و توسعه در افزایش میزان اعتماد علویان به ساختار سیاسی و حزب حاکم و استقبال هر چه بیشتر علویان از برنامه گشایش علوی به تثبیت پایگاه اجتماعی حزب عدالت و توسعه کمک شایانی خواهد کرد.



فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام

۱۳۸

سال پنجم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۴

نتیجه گیری

نفوذ حزب عدالت و توسعه به تدریج در حال گسترش از پیرامون به سمت مراکز شهری است. با وجود این، مناطق فقیر و کمتر توسعه یافته شهرها، بیشترین نقش را در حمایت از حزب عدالت و توسعه داشته اند. شبکه های اجتماعی وسیع و ماشین حزبی کارآمد با پیوندهای نزدیک که با حوزه های انتخاباتی محلی دارند، این امکان را فراهم ساخته است تا حزب حمایت جدی در میان حاشیه نشینان و فقیران، که بسیاری از آنها مذهبی و به لحاظ اجتماعی محافظه کار هستند و سهم رو به رشدی از جمعیت شهری ترکیه را تشکیل می دهند، به دست آورد. سیاست های اقتصادی بازار آزاد حزب همچنین خوشایند بسیاری از بازرگانان سکولار در شهرهای بزرگ بود که به خاطر حمایت حزب عدالت و توسعه از عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا به حزب متمایل شده بودند.

به نظر می رسد حزب عدالت و توسعه توانسته با مدیریت هوشمندانه شکاف های اجتماعی این کشور ضمن تثبیت جایگاه سیاسی خود و جلب آرای طبقه حاشیه نشین در انتخابات محلی ۲۰۱۴ و همچنین انتخابات سراسری ۲۰۱۵ و به گسترش پایگاه اجتماعی اش فراسوی شکاف مزبور پردازد. به بیان دیگر، هرچند طبقه اصلی حامی حزب را طبقات پایین شهری و روستایی تشکیل می دهند اما کسب آرای قابل توجه در مناطق توسعه یافته غرب ترکیه نشانگر حرکت حزب عدالت و توسعه در پرکردن شکاف اقتصادی □ جغرافیایی این کشور است. در شکاف قومی، حزب عدالت و توسعه، حزب نخست مناطق کردنشین ترکیه می باشد. به بیان دیگر، حزب توانسته بیش از احزاب کردی، اعتماد و رضایت شهروندان را کسب کند. در خصوص شکاف علوی نیز باید گفت که دولت حزب عدالت و توسعه نیازمند گام های ملموس و جدی تری برای کسب آرای علویان این کشور است. هرچند در مناطقی که بطور سنتی علوی نشین هستند به پیروزی های قاطعانه ای رسیده است، اما بخش اعظم علویان ترکیه در خارج از قلمرو سنتی شان و در غرب ترکیه و در شهرهای بزرگی چون استانبول و آنکارا و حتی خارج از ترکیه در اروپا و بویژه آلمان ساکن هستند که بایستی مدنظر قرار گیرند.



فهرست منابع

الف: منابع فارسی

- اطهری، سیداسداله و دیگران (۱۳۹۰). *ترکیه؛ بنیادهای داخلی و بین‌المللی سیاستگذاری*، تهران: مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه.
۱. پشیلادا و ام. روبین، بیروول و بری (۱۳۹۴). *اسلامیزاسیون در ترکیه تحت زمامداری دولت عدالت و توسعه* (ترجمه نوژن اعتضادالسلطنه)، تهران: نشر صمدیه.
- الیگور، بانو (۱۳۹۲). *بسج اسلام سیاسی در ترکیه*، ترجمه آزاد حاجی آقایی، تهران: نشر فرهنگ شناسی.
- انتخابی، نادر (۱۳۹۰). *ناسیونالیسم و تجدد در ایران و ترکیه*، تهران: نشر نگاره آفتاب.
- انتخابی، نادر (۱۳۹۲). *دین، دولت و تجدد در ترکیه*، تهران: هرمس.
- اوکتم، کریم (۱۳۹۵). *دیروز و امروز یک ملت؛ تحولات ترکیه از ۱۹۸۹ تا امروز*، ترجمه سید احمد موثقی و شیوا عزیزاده، تهران: انتشارات دنیای اقتصاد.
- باران، زینو (۱۳۹۳). *کشور گسیخته: ترکیه میان سکولاریسم و اسلامگرایی*، ترجمه جعفر ساسان، قم: انتشارات زمزم هدایت.
- بشیریه، حسین (۱۳۸۴). *جامعه‌شناسی سیاسی: نقش نیروهای اجتماعی در زندگی سیاسی*، تهران: نشر نی.
- بهمن، شعیب (۱۳۹۵). *جامعه علویان ترکیه*، تهران: موسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور.
- بیلگین، فوزی (۱۳۹۳). *شناخت مسئله کرد در ترکیه*، ترجمه آزاد حاجی آقایی، تهران: پانید.
- پیانوریس، نیکی آر. کدی و دیگران (۱۳۸۸). *جامعه‌شناسی سیاسی شکاف‌های اجتماعی*، ترجمه پرویز دلیرپور و علیرضا سمعی اصفهانی، تهران: کویر.
- داراب زاده، عاطفه و دیگران (۱۳۹۲). «بررسی فرصت‌ها و چالش‌های گذار به دموکراسی در ترکیه از دهه ۱۹۸۰ تاکنون از منظر نظریه سازه‌انگاری»، *فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام*، سال سوم، شماره چهارم، صص ۲۶-۴۸.
- دونمز، نوری (۱۳۸۹). *علویان ترکیه*، قم: دانشگاه ادیان و مذاهب.
- دوورژه، موریس (۱۳۵۷). *احزاب سیاسی*، ترجمه رضا علومی، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- فوزی تویسرکانی و هاشمی (۱۳۹۴). *جنبش‌های اسلام‌گرای معاصر: بررسی منطقه‌ای*، تهران: معاونت پژوهشی پژوهشکده امام خمینی (ره).
- لئونارد بایندر - لوسین دلبیو. پای (۱۳۸۰). *بحران و توالی‌ها در توسعه سیاسی*، ترجمه غلامرضا خواجه سروی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- موسوی سیدحسین و اطهری، سیداسدالله (۱۳۹۴). *مجموعه مقالات پژوهشی ترکیه: گذشته، حال و آینده*، تهران: مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه.
- موثقی و اعتمادی فر، سید احمد و امین (۱۳۹۲). «زمینه‌های اجتماعی اسلام‌گرایان ایران و پسااسلام‌گرایی ترکیه»، *فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام*، سال سوم، شماره چهارم، صص ۵۸-۸۲.



فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهش‌های پای جهان اسلام

۱۴۰

سال پنجم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۴

موثقی، سیداحمد (۱۳۸۰). «بررسی تجربه نوسازی فرهنگی و سیاسی در ترکیه در فاصله سال‌های ۱۹۲۰-۱۹۵۰»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۵۲، شماره ۱.

مفیدی احمدی، حسین (۱۳۹۳). «تغییر رویکرد گروه‌های اسلامی ترکیه در روند الحاق به اتحادیه اروپا»، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، سال چهارم، شماره سوم، صص ۱۷۷-۲۰۲.

نوری پاشا، احسان (۱۳۹۵). جنبش ملی کرد در ترکیه، ترجمه محمدرفوف توکلی، تهران: توکلی.

هانتینگتون، ساموئل (۱۳۷۰). سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشر علم.

ولدبیگی، صفر (۱۳۹۵). تاثیر اندیشه‌های سیاسی - اسلامی بدیع‌الزمان سعید نورسی بر اسلام سیاسی با تاکید بر حزب عدالت و توسعه، تهران: نشر احسان.

وفایی، بابک (۱۳۹۴). شیعیان ترکیه: اوضاع سیاسی - اجتماعی، تهران: نشر شیعه شناسی.

هانی اوغلو، شکرو (۱۳۹۵). سقوط امپراطوری و تولد جمهوری: نگاهی به نقش آتاتورک در پیدایش ترکیه، تهران: نشر لوح فکر.

یاووز، هاکان (۱۳۸۹). سکولاریسم و دموکراسی اسلامی در ترکیه، ترجمه احمد عزیزی، تهران: نشر نی.

یاووز، هاکان (۱۳۹۲). هویت سیاسی اسلامی در ترکیه‌ی معاصر، ترجمه‌آزاد حاجی آقایی، تهران: اشاره.

یشیلادا، روبین، بیرو و بری (۱۳۹۳). اسلامیزاسیون در ترکیه تحت زمامداری دولت عدالت و توسعه، ترجمه نوژن اعتضادالسلطنه، تهران: صمدیه.

ب: منابع انگلیسی و ترکی

- AK Parti Nice AK yıllarda: "Güven ve İstikrar İçinde Durmak Yok Yola Devam". Ankara(June 2007).
- Akyol ,Mustafa(May 31, 2009). "Kurdish Nationalism on the Rise, Ballot Suggests," Hürriyet Daily News and Economic Review (Istanbul).
- "Alevis vote based on individual decisions"(July 18,2007). Today's Zaman.
- B.White, Jenny(2002). Islamic Mobilization in Turkey: A Study in Vernacular Politics, Seattle and London. University of Washington Press.
- Başlevant, Cem, Kirmanoğlu, Hasan, and Şenatarlar, Burhan(June 2005). "Empirical investigation of party preferences and economic voting in Turkey. European Journal of Political Research. Volume 44. Issue 4. pages 547-562.
- Bekir GÜNAYand Gökhan TÜRK. ALEVİ AÇILIMI: TÜRKİYE'DE DEMOKRASİNİN DERİNLEŞMESİ. BILGE ADAMLAR STRATEJİK ARAŞTIRMA.
- Cagapty ,Soner(, April 2007). "Secularism and Foreign Policy in Turkey", The Washington Institute for Near East Policy, Policy Focus # 67.



- 8)-Cerit ,Sevil(1986). “Türkiye’de 8ller Arası Göçler 1950–1980.” Turkish Journal of Population Studies 8.
- Erdogan, R. T. (29 January 2004).Conservative Democracy and the Globalization of Freedom. American Enterprise Institute.
- Göner ,Özlem(2005).”The Transformation of the Alevi Collective Identity”. Cultural Dynamics. Vol. 17. No.2.
- Hakan Özoğlu(2004). Kurdish Notables and the Ottoman State: Evolving Identities. Competing Loyalties and Shifting Boundaries. State University of New York. Albany.
- Huntington,Samuel Phillips(1996).The Clash ofCivilizations and the Remaking of World Order. SIMON 6- SCHUSTER Rockefeller Center.
- Henri J. Barkey(, July/August 2007). “Kurdistanoff,” The National Interest. pp. 51–57.
- İdiz ,Semih(March 20, 2009).“A New Era in Turkish Kurdish Ties.” Hürriyet Daily News and Economic Review.Istanbul.
- İdiz ,Semih(August 14, 2009b). “Kurdish Opening Opens Minds,” Hürriyet Daily News and EconomicReview Istanbul.
- Karakaya Polat ,Rabia(May 2008). The AKP and the Kurdish Issue: What Went Wrong?. Policy Brief. No.14.
- Kardaş ,Şaban(, March 30, 2009a). “Gul Denies Saying ‘Kurdistan’ During Iraq Visit.” Eurasia Daily Monitor. Vol. 6. No. 60.
- Kardaş ,Şaban(, May 19, 2009b). “Opposition Rejects Gul’s Call for Consensus on the Kurdish Issue.”Eurasia Daily Monitor. Vol. 6. No. 96.
- Keleş ,Ruşen(January–June 1989). “Konut Politikalarımız.” Siyasal Bilgiler Fakültesi 44.1–2.
- Keleş, “Konut(1988).” 65, and “Urban Turkey in the Year 2000: A Pessimistic Scenario,” in Turkey in the Year 2000. ed. Ergun Özbudun and 8lter Turan .Ankara: Siyasi 8limler Derne.
- Kinzer ,Stephen(2001). Crescent and Star: Turkey Between Two Worlds. NewYork: Farrar. Straus and Giroux.
- KÖSE ,TALHA(2010). The AKP and the “Alevi Opening”’:Understanding the Dynamics of the Rapprochement. Insight Turkey Vol. 12/No.2.
- Köylüoğlu ,Azimet(October 10, 1994). then the minister of human rights.quoted inCumhuriyet.
- Krisztina Kehl-Bodrogi(1996). “Tarih Mitosu ve Kollektif Kimlik,” Birikim, 88.
- Larrabee ,F. Stephen(July / August 2007). “Turkey Rediscovered the Middle East”. Foreign



فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

۱۴۲

سال پنجم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۴

Affairs. Vol. 86. No. 4.

Larrabee ,F. Stephen(2010). Troubled Partnership U.S.-Turkish Relations in an Era of Global Geopolitical Change. Rand Corporation.

M. N. Danielson and R. Kele7(1985). The Politics of Rapid Urbanization:Government and Growth in Modern Turkey (New York: Holmes and Meier.

Mardin, Şerif(1973).“Center Periphery Relations: A Key to Turkish Politics.” Deadulus2(1(.

OECD report Regional Problems and Policies in Turkey(1988). Paris: OECD.

“Outlines of a Kurdish Deal loom in N. Iraq(March 19, 2009).” Hürriyet Daily News and EconomicReview (Istanbul).

Özbudun,Ergun(April 1, 2013).Party Politics and Social Cleavages in Turkey. Lynne Rienner Publishers.

Rabasa, Angel and Larrabee,F. Stephen(2008). The Rise of Political Islam in Turkey. RAND Corporation.

Salaheddin ,Sinan(October15, 2008). “Turkish Officials Meet Iraqi Kurds in Baghdad,” Boston Globe.

SUBAŞI ,NECDET(2010). The Alevi Opening: Concept, Strategy and Process. Insight Turkey Vol. 12 / No. 2.

Üzüm ,İlyas(1997). Günümüz Aleviliği. İstanbul: Türkiye Diyanet Vakfı İSAM Yayımları.

Weil, Fredercik(1992). political party system in Egdar F. Bogartta and Maril, Bogratta. Encyclopedia of Sociology. Vol 3.NewYork :Macmilan Publishing company.

Yavuz, Hakan(Oct, 1997).“ Political Islam and the Welfare (Refah) Party in Turkey”. Comparative Politics Vol. 30. No. 1.

.....(2003). islamic political identity in turkey. Oxford University Press.

.....(2005). Modernleşen Muslumanlar. İstanbul: Kitap Yayınevi.

منابع اینترنتی

<http://www.gap.gov.tr>

<http://eng.akparti.org.tr>

<http://kurdpress.com>

<http://www.hurriyetdailynews.com>

DOI: ۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۰۵۰۲۰۳

به این مقاله این گونه استناد کنید:

سلیمانی، غلامعلی؛ عبادی، بهزاد (۱۳۹۴)، «حزب عدالت و توسعه: شکافهای اجتماعی و میانجیگری سیاسی» فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، س ۵، ش ۲، تابستان ۹۴، صص ۱۱۱-۱۴۳.



فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام
جمعیت پژوهش‌های اسلامی

۱۴۳

زیر- عدالت و توسعه: شکافهای اجتماعی و ...